

از مخدوش شدن صف انقلاب با ضد انقلاب جلوگیری کنیم!

اقدام به برپائی تظاهرات ۱۷ و ۱۸ دی (۷ و ۸ ژانویه) در پی تظاهرات برلین در ۲۲ اکتبر ۲۰۲۲، تلاش دیگری توسط نیروهای پرو امپریالیست در جهت مصادره و به انحراف کشاندن انقلاب مردم مبارز و رنج دیده ایران می باشد.

اولین فراخوان از طرف حامد اسماعیلیون به مناسبت سومین سالگرد جنایت جمهوری اسلامی در شلیک به هواپیمای مسافربری ۷۵۲ برای روز ۱۷ دی داده شده است. چهره سیاسی واقعی حامد اسماعیلیون اگر دیروز برای همه آشکار نبود، امروز با توجه به مشخص شدن همکاری وی با دولت ها و ارگان های امپریالیستی نظیر دولت کانادا و کنفرانس امنیتی هالیفاکس و همکاری های اعلام نشده اش با رضا پهلوی جای تردیدی باقی نگذاشته است که جایگاه وی در صف مقابل کارگران و زحمتکشان و دیگر توده های تحت ستم ایران قرار داشته و به جبهه دشمنان مردم تعلق دارد.

امروز اسماعیلیون در ارتباط با پروژه آلترناتیو سازی امپریالیستها برای به انحراف بردن انقلاب مردم ایران مطرح است. برای این منظور نیروهای وابسته به سرمایه داران نیاز به تلاش هائی دارند تا او در نزد مردم ایران مشروعیت یابد. در همین رابطه سالگرد جنایت مربوط به سقوط هواپیمای ۷۵۲ اوکراین توسط جمهوری اسلامی به دستاویزی برای این منظور و مطرح کردن هر چه بیشتر او در ایران تبدیل شده است. در چنین اوضاعی فراخوانی توسط به اصطلاح تشکل هائی که به اسم دانشجویان و جوانان انقلابی محلات کردستان و زنان و مادران و غیره خود را در دنیای مجازی معرفی کرده اند و اکثراً گویا یک شبه شکل گرفته و از طریق دست های نامرئی به هم وصل شده و "متحد" گشته اند از مردم خواسته اند تا در روز ۱۸ دی یعنی تقریباً همزمان با فراخوان اسماعیلیون به مناسبت سومین سالگرد سقوط هواپیمای اوکراینی به خیابان آمده و دست به تظاهرات بزنند. با توجه به نقش تبلیغات رسانه های امپریالیستی جهت مشروعیت دادن به حامد اسماعیلیون در نزد مردم و تلاش گسترده ای که در این جهت صورت می گیرد، شکی نیست که اگر چنین تظاهراتی در سراسر ایران صورت گرفته و جمعیت قابل توجهی هم در آن شرکت بکنند (که البته رسانه های مرتجع می توانند تعداد را بسیار فراتر از خود واقعیت جلوه دهند، کاری که در رابطه با تظاهرات برلین آشکارا انجام دادند)، این قدم بزرگ دیگری برای مطرح کردن حامد اسماعیلیون در ایران بوده و امکان نفوذ نیروهای ضد انقلاب (طرفداران حفظ سیستم ظالمانه سرمایه داری در ایران) به صف توده های انقلابی ما را هر چه بیشتر فراهم و راه را برای منحرف کردن انقلاب از اهداف واقعی خود تسهیل خواهد نمود.

در حال حاضر رسانه های امپریالیستی نظیر بی بی سی و ایران اینترنشنال (در نزد مردم " اینتر آشغال") در پشت پروژه مذکور قرار گرفته و به تبلیغ در این رابطه مشغولند. بی بی سی مصاحبه مفصلی با حامد اسماعیلیون ترتیب داد و در شرایطی که او به واقع عزیزان خود را در جریان حمله موشکی جمهوری اسلامی به هواپیمای ۷۵۲ از دست داده سعی کرد از این امر برای جلب احساسات و عواطف مردم دلسوز و شریف ایران نسبت به او سوء استفاده کند. در ضمن در شرایطی که حامد اسماعیلیون به فعالیت گسترده سیاسی در راستای منافع دشمنان مردم ایران مشغول است این کوشش نیز صورت گرفت که او چهره ای که خصلت "گوشه گیر" و "انزوا طلب" است معرفی شود و این که گویا مسأله اش صرفاً دادخواهی و انتقام گیری از

جمهوری اسلامی می باشد. در نتیجه این طور القاء شد که وی علاقه ای به رسیدن به قدرت سیاسی ندارد.

تلویزیون ایران اینترنشنال نیز مدام برای تظاهرات ۱۸ دی در ایران و برای به اصطلاح تشکل‌هایی که فراخوان این تظاهرات را داده اند تبلیغ می کند. واقعیت این است که اسامی ای که به عنوان تشکل‌های فراخوان دهنده برای تظاهرات ۱۸ دی در ایران مطرح شده اند نه تا کنون مواضع خود را به طور شفاف در مورد انقلاب جاری و چگونگی دست‌یابی آن به پیروزی بیان کرده اند و نه پراتیک مشخص اعلام شده ای داشته اند که بیانگر هویت و ماهیت آنها باشد. اما تلویزیون اینترنشنال از آنها به مثابه تشکل‌های موجود در ایران نام می برد. می توان گفت که نام‌های مطرح شده در حالی که برای مردم ایران هویتی ناشناخته می باشند، اما همین تلویزیون و رسانه‌های مشابه در تلاش اند تا آنها را به عنوان تشکل‌های مردمی بشناسانند. به طور کلی تمامی شواهد موجود نشان می دهند که آنچه که زیر نام فراخوان ده‌ها تشکل داخل برای تظاهرات در سالروز سقوط هواپیمای اوکراینی در جریان است گامی دیگر در امتداد سیاستها و منافع قدرتهای ضد مردمی ای ست که به نام مردم ایران و در واقع علیه انقلاب آنان در پشت تظاهرات برلین و حامد اسماعیلیون قرار داشتند.

در این میان با ۶ جریان سیاسی در خارج از کشور هم مواجهیم که در اتحاد با همدیگر تحت عنوان "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست"، نام‌های اعلام شده به مثابه "تشکل‌های دانشجویی و جوانان انقلابی محلات" را به رسمیت شناخته و بی هیچ احساس مسئولیتی در قبال مردمی که شناختی از آن نام‌ها و ماهیت آنها ندارند، توصیه کرده اند که با فراخوان آنها در سالروز شلیک عامدانه جمهوری اسلامی به هواپیمای اوکراینی برای اعتراض و اعتصاب و تظاهرات در روز ۱۸ دی همراه شویم.

بر کسی پوشیده نیست که حمله به هواپیمای اوکراینی و فاجعه پیش آمده یکی از جنایات بیشمار جمهوری اسلامی در طول ۴۳ سال گذشته بوده و هیچ انسان آزادیخواهی نمی تواند آن را محکوم نکرده باشد و یا امروز محکوم نکند. ولی جای انکار نیست که اگر برای محکوم کردن به حق این جنایت، امروز، سالروز برای آن گرفته می شود تنها به دلیل فراخوان حامد اسماعیلیون در این رابطه و پشتیبانی رسانه‌های امپریالیستی از آن می باشد. در نتیجه چه، کسانی که به نام تشکل‌هایی در داخل ایران برای تظاهرات ۱۸ دی فراخوان داده اند و چه نیروهایی در خارج از کشور که ظاهراً به صورتی که در رابطه با شرکت در تظاهرات برلین ادعا شد "در صف مستقل" "همراهی و همبستگی" با فراخوانی را تبلیغ می کنند که هدفش تحمیل حامد اسماعیلیون به عنوان یکی از رهبران جنبش توده هاست، حرکتشان بی هیچ برو بر گشتی در همسوئی با حامد اسماعیلیون و در هماهنگی با جریان سیاسی حامی وی که فاقد ماهیت مردمی ست، می باشد.

جریان‌های سیاسی ای که خود را شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست می نامند نمی توانند انکار کنند که عمل کنونی آنها کاملاً در ارتباط با فراخوان امروز حامد اسماعیلیون و رسانه‌های امپریالیستی پشتیبان وی صورت می گیرد والا آنها تا کنون برای جنایت صورت گرفته در مورد هواپیمای اوکراینی اعلام تظاهرات نکرده بودند. حال پرسیدنی است که آیا اینان که نام کمونیسم و چپ را یدک می کشند متوجه نیستند که با پشتیبانی از فراخوان تظاهرات ۱۸ دی دارند در چهار چوبی عمل می کنند که برای آلترناتیو سازی امپریالیستی توسط حامد اسماعیلیون برپا شده است؟ آیا نمی دانند که با این کار دارند به نوبه خود صف انقلاب و ضد

انقلاب را مخدوش می سازند؟ گاه در توجیه همسوئی با اسماعیلیون ادعا می شود که چون جنایت صورت گرفته در رابطه با هواپیمای ۷۵۲ به همه مردم و مبارزین ربط دارد و مختص حامد اسماعیلیون نیست پس حرکت کنونی آنها در رابطه با سومین سالگرد آن جنایت ربطی به حامد اسماعیلیون ندارد. اما این توجیه فریبکارانه ای بیش برای لاپوشانی حرکتشان به نفع جبهه ضد انقلاب و مشوب کردن اذهان نیست. چرا که خودشان هم می دانند که نه در اولین سالگرد و نه در دومین سالگرد این جنایت اساساً یادشان نبود که به عنوان دادخواه برای آن جنایت تجمع و تظاهرات اعلام کنند و توجیهی هم نداشتند که حامد اسماعیلیون در آن سالها به عنوان دادخواه با همکاری دولتها و محافل امپریالیستی نظیر کانادا و جریانات پرو امپریالیستی و ضد کمونیستی نظیر "حزب کمونیست کارگری ایران" به این کار مشغول بود.

در پایان باید به واقعیت جنبش انقلابی مردم تحت ستم و تحت سرکوب های وحشیانه جمهوری اسلامی اشاره کرد که با توجه به فداکاریها و از خود گذشتگی های توده گرسنه و عاصی از فشارها و ظلم و ستمهای ناشی از سلطه سیستم سرمایه داری، هر چه جلوتر رفته رادیکالیزه تر گشته و جوانان بیشتری به حق به اعمال قهر انقلابی علیه قهر ضد انقلابی رژیم روی آورده و شعارهایی چون "به جنگ تا بکنیم" و "می کشم می کشم آن که برادرم کشت یا هر آنکه خواهرم کشت" صورت واقعیت به خود گرفته است. گسترش هر چه بیشتر این اعمال که حاوی آگاهی و تجربه برای جوانان انقلابی می باشد به ضرر دشمنان مردم است. اما دشمنان و به طور مشخص امپریالیسم آمریکا در چنان شرایط بحرانی قرار دارد که تعویض جمهوری اسلامی با رژیم وابسته دیگری فعلاً برایش چندان آسان نیست. با این حال آنها از آلترناتیو سازی و در همان حال از این طریق ایجاد اغتشاش در جنبش و مشغول کردن ذهن ها به مسائل انحرافی یا فرعی غافل نیستند. در همین راستا می توان به ضدیت حامد اسماعیلیون با کمونیسم و تبلیغات شدید شاهی ها و ساواکی های دیروز علیه کمونیست ها و اندیشه های چپ که با بی پرنسیبی کامل حتی با استفاده از سرودها و کارهای هنری خود انقلابیون کمونیست در دهه ۵۰ صورت می گیرد، اشاره کرد.

واقعیت این است که نیروهای متعلق به چپ بیش از یک قرن در خدمت به کارگران و زحمتکشان ایران تلاش کرده اند و جنبش کمونیستی به خصوص با پاگیری چریکهای فدائی خلق در دهه ۵۰ تأثیرات و دست آوردهای با ارزشی در جامعه به جا گذاشته است. دلیل ضدیت حامد اسماعیلیون ها و شرکاء با کمونیسم اتفاقاً همین واقعیت و زنده بودن چپ و اندیشه های کمونیستی در جامعه می باشد. این امر به افراد مبارز معتقد به کمونیسم یادآوری می کند که باید با هشجاری هرچه بیشتری نسبت به ترفندهای حيله گرانه امثال اسماعیلیون ها برخورد بکنند و در دام کسانی نیفتند که ضمن دادن شعار سوسیالیسم و ابراز ظاهری ضدیت با سرمایه، دست به حرکت هائی می زنند که سودش تنها به بورژوازی می رسد.

از نظر ما این یک توصیه واقع بینانه به همه نیروهای انقلابی که قلبشان با قلب توده های رنج کشیده ایران می تپد، می باشد که باید از همراهی با فراخوان های یاد شده احتراز کنند و با کوشش در شناخت توطئه های حيله گرانه دشمنان مردم از مخدوش شدن صف انقلاب با ضد انقلاب جلوگیری نمایند. ما باید بکوشیم با اعمال خود به پیشرفت جنبش مستقل توده ها علیه جمهوری اسلامی که با وثیقه گذاردن خون جوانان مبارز کرد و ترک و بلوچ و فارس و عرب و ... در خیابانهای کشور جاری ست کمک کنیم و صدای آن ها باشیم.

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدائی خلق ایران

۶ ژانویه ۲۰۲۳ برابر با ۱۶ دی ماه ۱۴۰۱